

Research Article

Dor: 20.1001.1.25385968.1402.18.1.2.9

Analysis of factors influencing the social functions of urban parks (Case Study: Javan and Madar Parks in Tonekabon)

Mehdi Abbaszadeh Soorami^{1*} & Vahid Pouraman Hir²

1. Assistant Professor, Department of Geography & Urban Planning, Payame Noor University, Tehran, Iran

2. M.A in Geography & Urban Planning, Payame Noor University, Tehran, Iran

* Corresponding author: Email: soorami@gmail.com

Receive Date: 11 January 2021

Accept Date: 30 August 2021

ABSTRACT

Introduction: In addition to enabling the relationship between city dwellers and nature, urban parks enhance social interactions, and even affect the social functions of adjacent public spaces. Factors affecting the social functions of urban parks can be divided into two categories; internal features such as the size, facilities and physical characteristics of the park; and external features, i.e. the park's relationship with the surrounding public spaces.

Research aim: This article examines the two Tonekabon urban parks, which are markedly different in terms of these characteristics, to explain how these distinctive features affect their social functioning.

Methodology: This is a descriptive study and data collection was done by survey and field observation. The statistical sample includes 400 park users, which are selected exclusively from the residents of this city, and Kolmogorov-Smirnov test, t-test, correlation and regression were used to analyze quantitative data.

Studied Areas: The geographical scope of this research is two parks of Tunkabon city, Javan and Mader.

Results: According to the findings, the higher the relationship between parks and activities in the surrounding public spaces, the higher their security and vitality. In the Javan Park, the effect of the interrelationships of the parks with the surrounding activities and public spaces on user satisfaction, and in the Madar Park, the effect of physical quality and facilities on user satisfaction is higher.

Conclusion: Although the social functions of urban parks are influenced by various physical factors and characteristics, but parks are integral part of public spaces and activities in it, and even the effectiveness of these factors and characteristics is more influenced by the specific spatial-social context in which the functions of the park are performed.

KEYWORDS: urban parks, social function, public spaces, park security, park and street relations, Tonekabon



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۸، شماره ۱ (پیاپی ۶۲)، بهار ۱۴۰۱
شاپای چاپی ۰۹۶۸-۲۵۳۵ شاپای الکترونیکی X۰۹۵۵-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>
صص. ۹۶-۸۱

Dor: 20.1001.1.25385968.1402.18.1.2.9

مقاله پژوهشی

تحلیل عوامل اثرگذار بر کارکردهای اجتماعی پارک‌های شهری (مورد مطالعه: پارک‌های جوان و مادر تنکابن)

مهدی عباس‌زاده سورمی^۱ و وحید پورامن هیر^۲

۱. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: Email: soorami@gmail.com

تاریخ دریافت: ۲۲ دی ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۰۸ شهریور ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: پارک‌های شهری علاوه بر فراهم کردن امکان تماس بین شهروندان و طبیعت، موجب ارتقای تعاملات اجتماعی شده و حتی بر کارکردهای اجتماعی فضاهای عمومی پیرامون خود نیز اثرگذار هستند. عوامل اثرگذار بر کارکردهای اجتماعی پارک‌های شهری را می‌توان در دو دسته جای داد: ویژگی‌های درونی مانند وسعت و امکانات و عملکردهای موجود در پارک و جنبه بیرونی یعنی چگونگی ارتباط پارک با فضاهای عمومی پیرامونی. **هدف:** این مقاله دو پارک شهری تنکابن را که از نظر ویژگی‌های مذکور تفاوت آشکاری بین آنها دیده می‌شود، مورد بررسی قرار می‌دهد با این هدف که نشان دهد این خصوصیات متمایز، چگونه بر کارکرد اجتماعی آنها تأثیر می‌گذارند.

روش‌شناسی تحقیق: این مطالعه از نوع توصیفی است و جمع‌آوری داده‌ها از طریق پیمایش و مشاهده میدانی انجام گرفته است. نمونه آماری شامل ۴۰۰ نفر از کاربران پارک‌ها است و برای تحلیل داده‌های کمی، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، آزمون‌های تی، همبستگی و رگرسیون استفاده شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو جغرافیایی این پژوهش، پارک‌های جوان و مادر شهر تنکابن است.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌ها، هر چه رابطه متقابل پارک‌ها با فعالیت‌ها فضاهای عمومی پیرامونی بالاتر باشد، میزان امنیت و سرزندگی آنها نیز بالاتر خواهد بود. میزان رضایت از دو پارک تقریباً یکسان است اما تأثیرگذاری رابطه متقابل پارک با فعالیت‌ها و فضاهای عمومی پیرامونی بر رضایت کاربران در پارک جوان و تأثیرگذاری کیفیت کالبدی و تسهیلات موجود در پارک مادر بر رضایت کاربران بالاتر ارزیابی شده است.

نتایج: نتایج نشان می‌دهد اگرچه کارکردهای اجتماعی پارک‌های شهری تحت تأثیر عوامل و خصوصیات کالبدی مختلف است، اما پارک‌ها بخشی پیوسته از فضاهای عمومی و فعالیت‌های جاری در آن هستند و حتی اثربخشی عوامل و خصوصیات مذکور نیز بیشتر تحت تأثیر بافتار فضایی-اجتماعی ویژه‌ای است که هر پارک در درون آن کارکردهایش را ایفا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: پارک‌های شهری، کارکرد اجتماعی، فضاهای عمومی، امنیت پارک، رابطه پارک و خیابان، تنکابن

مقدمه

لویس مامفورد در ۱۹۶۴ نوشت: اکنون کارکرد مهم شهر "میسر ساختن و در واقع ترغیب هر چه بیشتر ملاقات، مواجهه و چالش بین افراد و گروه‌های مختلف است، به شرط وجود صحنه‌ای تا درام زندگی اجتماعی بتواند بر روی آن به نمایش درآید، و بازیگرانی که در عین حال به عنوان تماشاگر ایفای نقش کنند" (Mumford, 1964: 173). این بیانی موجز از کارکرد اجتماعی شهر است که به خصوص فضاهای عمومی شهری از جمله پارک‌ها بستر مهم تحقق آن هستند. پارک‌های شهری امکان تماس بین شهروندان و طبیعت را فراهم می‌کنند و از این رو عموماً با خصیصه سبزی‌نگی و به عنوان کاربری فضای سبز شناخته می‌شوند، اما با وجود این، بیش از سایر گونه‌های فضاهای سبز شهری از جمله فضاهای سبز حاشیه بزرگراه‌ها و درختزارهای شهری، در زمینه‌سازی و ترغیب تعاملات اجتماعی نقش دارند و مفهوم "فضای عمومی" را متجلی می‌کنند. با وجود این از دیدگاه برخی متخصصان، به ارزش اجتماعی عمیق پارک‌ها در تصمیم‌گیری‌ها توجه کافی نشده است و با آن که پارک‌ها فضاهای مدنی متضمن ارزش‌های مالی و اجتماعی-فرهنگی برای جامعه هستند در مباحث سیاستی در حاشیه قرار گرفته‌اند (Mell, 2019: 196-198).

برای پارک‌های شهری کارکردها و منافع متعددی ذکر شده است، از جمله: تأثیرگذاری در سلامت جسمی و روحی به ویژه از طریق فراهم‌سازی زمینه تفریح و گذران اوقات فراغت؛ تقویت هویت و همبستگی اجتماعی؛ ارتقای گردشگری و تأثیر بر اقتصاد محلی؛ ارتقای اقتصادی و اجتماعی مناطق مسکونی پیرامون؛ بهبود تنوع زیستی و زیست‌بوم؛ بهبود کیفیت هوا و کاهش جزیره گرمایی؛ و بهره‌گیری در مدیریت آب به ویژه از طریق جذب و تنظیم رواناب (Konijnendijk, et al., 2013: 3). عمده این کارکردها را می‌توان در دو دسته زیست‌محیطی و اجتماعی جای داد. در ادبیات فضای سبز شهری نیز تا حدی تمایز بین کارکردهای اجتماعی و اکولوژیکی قابل شناسایی است (Szumacher, 2011: 124). این دو کارکرد عمده، همان طور که تامپسون اشاره می‌کند به طور تاریخی وجود داشته و امروزه نیز مصداق دارند؛ به طوری که امروزه پارک‌ها هم نقش مهمی در ارتقای جامعه‌پذیری دارند و به خصوص در جامعه چندفرهنگی کنونی، از معدود مکان‌هایی هستند که غریبه‌ها فارغ از پایگاه اقتصادی، نژادی، یا اجتماعی در آنها گرد می‌آیند، و هم از اهمیت اکولوژیکی ویژه‌ای، به خصوص در زمینه مدیریت کارکردهای بیوفیزیکی شهر برخوردارند (Thompson, 1998: 19-21). هرچند پارک‌های شهری ترکیبی از کارکردهای مذکور را دارا هستند و نمی‌توان آنها را جدای از یکدیگر نگریست، اما می‌توان این پرسش را مطرح کرد که کدام ویژگی‌های کمی یا کیفی پارک‌ها سبب تقویت کارکرد اکولوژیکی یا زیست‌محیطی و یا کدام ویژگی‌ها سبب تقویت کارکرد اجتماعی و نقش پارک‌ها در ارتقای تعاملات و همبستگی اجتماعی و هویت شهری می‌شوند.

در ایران به دلیل کمبود فضای سبز عمومی در بسیاری از شهرها و ضرورت افزایش سهم آن از کاربری‌های شهری، عمدتاً رویکرد کمی مورد توجه قرار گرفته و افزایش سرانه پارک و فضای سبز همواره به عنوان یکی از اهداف مراجع شهری ذکر شده است. البته رویکرد کمی و سرانه-مینا صرفاً به اهداف زیست‌محیطی محدود نیست و اهداف دیگری مانند دسترسی شمار بیشتری از ساکنان شهر به فضای سبز و تحقق عدالت محیطی را نیز دنبال می‌کند. اما مسئله قابل تأمل در ارتباط با رویکرد کمی‌گرا این است که برخی از محققان حتی در شهرهایی که اهداف کمی مربوط به فضای سبز و پارک تا حد زیادی تحقق یافته‌اند، مسایل پیچیده‌تری را در زمینه اکولوژی و محیط زیست شهری و نیز برنامه‌ریزی پارک‌ها شناسایی کرده‌اند که اساساً در پیش‌فرض‌های رویکردهای کمی لحاظ نمی‌شوند. به عنوان مثال همان طور که راونتری اشاره می‌کند، امروزه این رابطه فرضی بسیار خطی که درختان بیشتر را مساوی با شهر خنک‌تر می‌داند به زیر سوال رفته و از این رو مطالعات بیشتری لازم است تا مشخص شود که چه تعداد درخت و با کدام شکل‌بندی، دما را کاهش خواهد داد؛ زیرا انواعی از گیاهان در کاهش دما اثربخش نیستند و یا تراکم بیش حد درختان ممکن است تأثیر عکس داشته باشد (راونتری، ۱۳۹۲: ۹۱-۹۲). همچنین جیکوبز در دهه ۱۹۶۰ نمونه‌های زیادی از پارک‌های وسیع و با طراحی مطلوب را شناسایی کرد که به دلایل مختلف در جذب استفاده‌کنندگان ناموفق بودند (جیکوبز، ۱۳۸۶). از سوی دیگر ویلیام وایت در مطالعات میدانی مختلف خود نشان داد که چگونه یک پارک بسیار کوچک می‌تواند با دارا بودن برخی خصیصه‌ها، نقش مؤثری در زندگی اجتماعی جاری در فضاهای شهری ایفا کند (Whyte, 1980). مطالعات اخیر نیز نشان داده‌اند که نتایج مثبت استفاده از پارک و فضای سبز در زمینه بهبود توان جسمی و روانی، ممکن است بیشتر به کیفیت آنها بستگی داشته باشد تا به مقدار فضای سبز در یک منطقه (Brown & Shcheglovitova, 2020: 2). حتی کاهش فاصله جغرافیایی بین کاربران و پارک‌ها از طریق ایجاد پارک‌های جدید، ممکن است اثربخش‌ترین راه حل برای ترغیب کاربران برای استفاده بیشتر از پارک‌ها

نباشد. گرچه عوامل کالبدی و روانشناختی هر دو بر رابطه مردم با پارک‌ها مؤثرند اما برخی مطالعات، تقدم عوامل محرک روانشناختی بر خصوصیات کالبدی را اثبات کرده‌اند. به عنوان مثال دسترسی ادراک شده به پارک از طریق حذف برخی عوامل بازدارنده ذهنی، می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در این زمینه داشته باشد (Wan et al., 2020: 9). این جنبه‌های پیچیده حتی در مواردی تمهیدات طراحی پارک‌ها به منظور پاسخگویی به نیازهای گروه‌های مختلف اجتماعی را بی‌اثر کرده‌اند زیرا برخی طراحی‌های معاصر پارک‌های شهری، استفاده از پارک‌ها را به گروه‌های خاصی از مردم محدود کرده و حتی سبب تفکیک پارک به خرده فضاهای اشغال شده توسط گروه‌های مختلف و تفکیک فضایی کاربران در پارک‌ها شده‌اند (Mehta & Mahato, 2020: 3). بنابراین، اگرچه به کار بردن روش سرانه-مینا، از نظر مقایسه زمانی و مکانی تأمین فضای سبز و ارزیابی روند تغییرات آن، ساده‌تر به نظر می‌رسد اما این رویکرد به طور بالقوه می‌تواند به نادیده گرفتن عوامل و جنبه‌های کیفی مؤثر بر کارکرد اجتماعی و نقش پارک در زندگی اجتماعی شهر شود، از جمله ویژگی‌های کالبدی متناسب با فعالیت‌های متنوع و نیازهای کاربران مختلف؛ چگونگی ارتباط متقابل پارک با فضاهای عمومی پیرامونی (خیابان‌ها و میدان‌ها) و فعالیت‌های جاری در آن؛ و حتی ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماع محلی و چگونگی استفاده آنها از فضای پارک.

به منظور بررسی چگونگی اثرگذاری عوامل مختلف بر کارکرد اجتماعی پارک‌های شهری، دو پارک شهر تنکابن به نام‌های "مادر" و "جوان" انتخاب شده‌اند. این دو در امتداد مهم‌ترین خیابان شهر واقع‌اند و از اینرو از پارک‌های شاخص بوده و دارای عملکرد فرامحله‌ای هستند، اما علاوه بر این مهم‌ترین علت انتخاب پارک‌های مذکور این است که از نظر برخی ویژگی‌ها، تمایز روشنی بین آنها دیده می‌شود که نقطه تمرکز مطالعه حاضر است. این دو پارک از نظر وسعت، نحوه ارتباط با فضاهای عمومی پیرامون، و خصوصیات کالبدی و عملکردی با یکدیگر متفاوت‌اند. نکته قابل توجه در مورد تفاوت‌های مذکور این است که پارک مادر با توجه به وسعت و سبزیگی بیشتر و وجود کاربری‌های فرهنگی و اجتماعی درون پارک، به طور بالقوه در ایفای کارکردهای اجتماعی برتری دارد. در مقابل، پارک جوان دارای وسعت و فضای سبز بسیار محدود اما پیوند فضایی قوی با خیابان است. بنابراین مطالعه حاضر به طور عمده بر نقاط تمایز بین نمونه‌های موردی متمرکز است؛ با این هدف که نشان دهد ویژگی‌های متمایز این پارک‌ها چگونه بر عملکرد آنها به عنوان فضای اجتماعی تأثیر می‌گذارد. تمایزات مذکور این پرسش‌ها را ایجاد می‌کند که تفاوت در وسعت و نحوه ارتباط این پارک‌ها با فضاهای عمومی پیرامونی چه تأثیری بر کارکردهای اجتماعی آنها دارد؟ و آیا استفاده کاربران از این پارک‌ها، بیشتر تحت تأثیر کیفیت کالبدی و امکانات موجود در پارک‌ها است یا چگونگی ارتباط آنها با فضاهای عمومی پیرامونی؟

تحولات فضایی شهر تنکابن در دهه‌های اخیر، شناخت پویایی و نقش اجتماعی پارک‌های شهری را ضرورت می‌بخشد در حالی که در این زمینه مطالعه کافی صورت نگرفته است. به طور سنتی یکی از ویژگی‌های بارز فضاهای مسکونی در تنکابن، وجود خانه‌های حیاط‌دار با گیاهان متنوع بود و حتی ترکیب فضاهای مسکونی با باغ‌های مرکبات، نمونه‌ای از "باغداری شهری" را به وجود آورده بود. این فضاهای سبز خصوصی امکان جمع شدن، گفتگو و مراوده همسایگان و آشنایان را فراهم می‌کردند، اما با گسترش سریع آپارتمان‌نشینی این الگوی زندگی شهری در حال افول است، از این رو ضرورت استفاده شهروندان از فضاهای عمومی بیشتر شده است. با توجه به این که خیابان‌ها و میدان‌های اصلی این شهر با وجود جذابیت‌های اجتماعی و بصری، بیشتر ترغیب کننده عبور هستند و ویژگی‌های فضایی آنها چندان بستر مکث، حضور، تعاملات و رویدادهای اجتماعی را فراهم نمی‌کنند، توجه به نقش پارک‌ها به عنوان فضاهای جمعی و ایفاکننده کارکرد اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در این نوشتار پس از نگاهی اجمالی به مفهوم کارکرد اجتماعی پارک‌های شهری در ادبیات شهری، و در چارچوب پرسش مقاله، به موضوع رابطه پارک و خیابان پرداخته می‌شود. در این زمینه به ویژه به آثار سه محقق تأثیرگذار در مطالعات فضاهای عمومی شهری از دهه ۱۹۶۰ تا کنون یعنی جین جیکوبز، ویلیام وایت و یان گهل اشاره می‌شود، که حاوی آموزه‌های مهمی در زمینه رابطه پارک و فضاهای باز با خیابان هستند.

از نظر مالینوفسکی کارکرد همیشه به معنای برآوردن یک نیاز است (مالینوفسکی، ۱۳۸۴: ۱۷۰). کارکرد اجتماعی فضای شهری وقتی معنا می‌یابد که بپذیریم انسان شهری در کنار زندگی خصوصی و نیازهای اساسی خود، نیازمند شرکت در زندگی همگانی و تعاملات اجتماعی با دیگران است. در نگاه کلی همه فضاهای عمومی شهرها دارای کارکرد اجتماعی هستند، همان طور

که گافمن^۱ به صراحت بیان می‌کند، آنچه میان دو رهگذر بیگانه در خیابان رخ می‌دهد تماماً اجتماعی است (Lofland, 1998: 3-4). گهل و اسور نیز با نگرشی فراگیر به مفهوم "فعالیت‌های اجتماعی" در شهر، حتی برخورد منفعل و صرفاً به صورت نگاه کردن یا گوش سپردن به افراد دیگر را نوعی فعالیت اجتماعی می‌دانند (Gehl & Svarre, 2013: 17). با وجود این نگاه فراگیر، کیفیت ایفای کارکردهای اجتماعی تحت تأثیر عوامل و شرایط اجتماعی و کالبدی معینی است. برای آن که کنش‌های اجتماعی، شکل عمومی به خود بگیرند باید دو شرط اساسی تحقق یابد: نخست، این کنش‌ها باید به یک مخاطب نامعین هدایت شوند و به علاوه با انتظار دریافت پاسخ صورت پذیرند؛ البته در صورت تفسیرپذیر و توجیه‌پذیر بودن. دومین شرط عمومی بودن کنش‌های اجتماعی، مبتنی بر استعاره‌های فضایی است به طوری که کنش‌های عمومی یک فضای مشترک و باز را برای تعامل با غریبه‌ها بنیان می‌دهند. از این منظر عمومیت مفهومی وسیع‌تر دارد؛ چیزی که هابرماس آن را "فضای اجتماعی ایجاد شده به وسیله کنش ارتباطی" می‌نامد (Bohman, 2009: 156). بنابراین مواجهه مردم در فضای عمومی، صرفاً گردهم آمدن افراد گوناگون نیست بلکه ملاقاتی است که تفاوت در آن واجد ارزش بوده و یا به موجب آن ایجاد می‌شود (Wilson, 2016: 14). در مطالعات شهری، صورت عینی‌تر این فضای کنش اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد. همان طور که کارمونا و همکاران در بحث از ابعاد کالبدی و اجتماعی عرصه عمومی شهر، آن را تشریح کرده‌اند. از نظر آن‌ها، فضای کالبدی شامل فضاها و موقعیت‌هایی است که زندگی همگانی و کنش متقابل اجتماعی را پشتیبانی و تسهیل می‌کنند. و عرصه عمومی اجتماعی-فرهنگی می‌تواند در بر گیرنده فعالیت‌ها و رویدادهایی باشد که در این فضاها و موقعیت‌ها رخ می‌دهند (Carmona et al., 2003: 109).

در گذر زمان عرصه‌های عمومی شهر در هر دو جنبه کالبدی و اجتماعی با تحولاتی رو برو بوده‌اند. بسیاری از کارکردهای اجتماعی و مدنی که به طور سنتی در فضاها عمومی رخ می‌دادند به عرصه‌های خصوصی منتقل شده‌اند و امروزه بسیاری از فعالیت‌های فراغتی، سرگرمی، کسب اطلاعات و به طور کلی مصرف می‌توانند به وسیله تلویزیون و اینترنت در خانه به انجام رسند (Carmona et al., 2003: 109). با وجود این، ضرورت و جاذبه حضور در فضاها عمومی شهر همچنان پابرجاست. یان گهل معتقد است، تماشای زندگی شهر در زمره مهم‌ترین و محبوب‌ترین جاذبه‌های شهری است (Gehl, 2010: 148). او در کتاب «زندگی در بین ساختمان‌ها» در سال ۱۹۷۱ اشاره کرد که کوچک شدن بعد خانوار و پیری جمعیت ضرورت حضور بیشتر در فضاها اشتراکی بین ساختمان‌ها و دیدن دیگران را افزایش داده است (Gehl, 2011: 50-51). از جمله این فضاها اشتراکی، پارک‌های عمومی هستند که به طور بالقوه می‌توانند تا حدی افت روابط اجتماعی در مناطق شهری را از طریق تقویت کنش متقابل اجتماعی در میان طیف‌های مختلف مردم جبران کنند. مطالعات موردی نشان داده‌اند که وجود فضای سبز و درختان در نزدیکی محله‌های مسکونی، موجب ترغیب مردم به حضور در فضاها عمومی و افزایش برخوردهای اجتماعی پیش‌بینی نشده در میان همسایگان می‌شود، و این افزایش تعاملات می‌تواند منجر به ایجاد فرصت بیشتر برای بازی کودکان در حضور بزرگ‌ترها، انسجام اجتماعی بیشتر بین همسایگان، و ایجاد حس امنیت و قلمروگرایی بیشتر در میان آنان شود (Coley et al., 1997: 492). پژوهشی دیگر نشان داده است که در فضاها عمومی سبز، شرکت افراد به ویژه زنان در فعالیت اجتماعی ۸۳ درصد بیشتر از فضاها خالی از سبزیگی است (Sullivan et al., 2004: 692-693).

هرچند سبزیگی، جذابیت‌های بصری و طراحی کالبدی پارک‌ها در ترغیب افراد به استفاده از پارک‌ها و کارکرد اجتماعی آنها مؤثر است اما به نظر برخی از محققان، تمرکز بر این مسئله می‌تواند سبب نادیده گرفتن جنبه‌های اثرگذار و مهم دیگر شود؛ از این رو در مطالعات مربوطه، تمرکز بر زندگی روزمره مردم ممکن است نقطه شروع بهتری در قیاس با تمرکز بر سازمان کالبدی باشد (Hitchings, 2013: 99). از این منظر می‌توان گفت فضاها عمومی مانند پارک به واسطه استفاده دیرپا و تأثیرگذاری در ایجاد خاطره، دارای معنای بالقوه و مستتر و اهمیت فرهنگی هستند (Low et al., 2005: 14-15). برنامه‌ریزان به تازگی از توسعه پارک‌ها به عنوان یک «علاج فرهنگی» برای مسایل اجتماعی شهر و حتی به عنوان ابزاری برای پوشاندن تمایزات و تعارضات بین گروه‌های اجتماعی مختلف و نابرابری‌های موجود استفاده کرده‌اند (Loughran, 2018). برخی از مفسران نیز از پارک‌ها به عنوان سنگرهای حیاتی «دموکراسی مشورتی» دفاع می‌کنند (Barker et al., 2019: 11). از دیدگاه اریک کلینبرگ، جامعه‌شناس آمریکایی، پارک‌ها یکی از انواع زیرساخت‌های اجتماعی هستند، یعنی آن دسته از زیرساخت‌های کالبدی و نهادی که نقش بسیار مهمی در حفظ و توسعه روابط اجتماعی دارند و برای ایفای کارکرد شهرها به عنوان فضاها اجتماعی ضروری هستند. چنین

زیرساخت‌هایی فراتر از برآورده کردن یک نیاز ابزاری و اساسی، این امکان را فراهم می‌کنند که شهر در آنها به عنوان یک محیط دربرگیرنده و دعوت‌کننده تجربه شود (Latham & Layton, 2019: 2-4). لیتون و لیتن معتقدند همان طور که در طی همه‌گیری کووید ۱۹ مشاهده شد، با از کار افتادن زیرساخت‌های اجتماعی، حفظ و تقویت روابط اجتماعی که زمینه‌ساز شکوفایی زندگی شهری است، بسیار دشوارتر می‌شود. اگرچه می‌توان به راه‌حلهایی دست یافت. اما اغلب آنها جایگزین ضعیفی برای یک فضای قوی، کاملاً برقرار، باز و دسترس‌پذیر برای انواع تعاملات جمعی هستند (Layton & Latham, 2021: 5).

ریچارد سنت در یک بررسی تاریخی نشان می‌دهد، زمانی که ساخت و استفاده از پارک‌های قابل پیاده‌روی در نیمه قرن هجدهم متداول شد، کارکرد اجتماعی آنها دارای اهمیت ویژه‌ای بود، زیرا امکان دیده شدن طبقات مختلف اجتماعی در کنار هم در فضاهای عمومی شهری و شرکت در فعالیتی مشترک یعنی تفریح و معاشرت را فراهم کرده بودند (Sennett, 2002: 85). در شهرهای امروزی نیز همچنان نشانه‌های تضادهای اجتماعی و به ویژه "طردها" افراد یا گروه‌ها قابل مشاهده است و از این رو پارک‌های شهری به دلیل رایگان و دسترس‌پذیر بودن و فراهم کردن فرصت‌های مشارکت در برنامه‌ها به طور بالقوه می‌توانند در بهبود کیفیت زندگی گروه‌های از نظر اجتماعی طرده شده، مؤثر باشند و به ارتقای دربرگیری اجتماعی و همبستگی اجتماعی کمک کنند (Kazmierczak & James, 2007: 361). بر اساس پژوهشی در تهران، در برگیرندگی مهم‌ترین مؤلفه تاثیرگذار در بهبود کیفیت فضای عمومی بوده است (توکلی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۱). اگر از این ظرفیت اجتماعی به طور مناسب استفاده نشود، برخی گروه‌های اجتماعی ممکن است یک پارک خاص را برای خود ناامن و یا متعلق به گروه‌های اجتماعی دیگر بپندارند در این صورت از ورود به آن منصرف شوند، که این مسئله در تضاد با عدالت محیطی قرار دارد (Wolch et al., 2014: 236-237). بر اساس چنین دیدگاهی، برخی از محققان مفهوم عدالت محیطی را فراتر از عدالت توزیعی و مرتبط با سازوکارهای اجتماعی و نهادی بازتولید نابرابری در نظر می‌گیرند (Boone et al., 2009).

نیل و همکاران معتقدند پارک‌های شهری شاید مورد خاصی از فضای عمومی باشند زیرا مادیت این فضاها (یعنی ویژگی‌های تجربی و حسی آنها) تا حد زیادی این قابلیت را دارد که به مقوله دربرگیری و طرد اجتماعی شکل دهد و بر آن تأثیرگذار باشد (Neal et al, 2018: 59). سیمن و همکاران حتی مفهوم "دسترسی" به پارک را نیز با عوامل اجتماعی به ویژه همبستگی اجتماعی و احساس دربرگیری اجتماعی مرتبط دانسته‌اند. مطالعه آنان نشان می‌دهد که مفهوم دسترسی به پارک، فراتر از ویژگی‌های کالبدی محله و خصیصه‌های عینی قابل اندازه‌گیری در زمینه دسترسی پیاده و پیوستگی است. مفهوم دسترسی پیاده از جنبه ذهنی، شامل ادراک افراد نسبت به همبستگی اجتماعی در سطح اجتماع محلی و میزان احساس پذیرش و یکپارچگی اجتماعی از سوی افراد در اجتماع است. حتی میزان این احساس یکپارچگی و پذیرش، به طور بالقوه می‌تواند موانع استفاده از پارک‌ها، مثل مشاهده رفتار ضد اجتماعی را کم‌اثر کند (Seaman et al., 2010). البته دسترسی همگانی علاوه بر در نظر گرفتن گروه‌های طرده شده مستلزم توجه به نیازهای تفریحی گروه‌های سنی مختلفی است که با انگیزه‌های متفاوت و با هدف انجام فعالیت‌های گوناگون به پارک می‌روند (Chiesura, 2004: 137).

بنابر آن چه گفته شد، پارک‌ها صرفاً یک پهنه سبز یا برشی از طبیعت در دل محیط مصنوع نیستند، بلکه ارتباطی چندلایه و پیچیده با کارکردها و فضاهای عمومی پیرامون، به ویژه خیابان دارند. جین جیکوبز فصلی از کتاب "مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکایی" چاپ ۱۹۶۱ را به بررسی کارکردهای پارک‌ها در ایالات متحده اختصاص داد و در بررسی کارکرد اجتماعی پارک‌ها به جای تمرکز صرف بر جنبه‌های کمی و کالبدی، به جریان زندگی روزمره در پارک‌ها و فضاهای شهری پیرامون توجه کرد. از نظر او تعداد اندکی از پارک‌های بررسی شده توانسته بودند به عنوان جاذبه‌های اقتصادی و اجتماعی برای محیط پیرامون خود ایفای نقش کنند و عمده آنها حتی برخی از پارک‌های زیبا و دارای شرایط کالبدی خوب، در جذب استفاده کنندگان چندان موفق نبودند. جیکوبز این پارک‌ها را خلاءهایی در درون محیط مصنوع شهر نامید (جیکوبز، ۱۳۸۶). او با بررسی ارتباط متقابل پارک‌ها با محیط پیرامون‌شان به این نتیجه رسید که پارک‌های کم استفاده یا به لحاظ اجتماعی نامطلوب، مشکلات‌شان را به فضاهای اطراف تزریق می‌کنند و محیط ناامن و نامطلوبی را در اطراف خود ایجاد می‌کنند. از طرف دیگر کیفیت استفاده پارک‌ها تحت تأثیر مستقیم وضعیت محله‌های اطراف است. جیکوبز با بررسی پارک‌های مختلف نتیجه گرفت، "کاربری‌های مختلط ساختمان‌های اطراف موجب اختلاط استفاده‌کنندگانی می‌شود که در زمان‌های مختلف به پارک رفت و آمد می‌کنند. و ساعات

متفاوت استفاده آنها از پارک سبب می‌شود تا پارک توالی پیچیده‌ای از استفاده و استفاده‌کننده باشد^۱، از این رو مسئله اصلی در طراحی پارک محلی، ایجاد تنوع کاربری‌ها در اطراف آن است تا امکان استفاده و حمایت از پارک را فراهم کند. جیکوبز می‌نویسد: "تنها محیط متنوع اطراف [پارک] قدرت عملی برای ترغیب یک جریان طبیعی و مداوم از زندگی و استفاده را دارد". تنوع اقتصادی و اجتماعی که سبب حضور افرادی با برنامه‌های گوناگون می‌شود، قدرت اعطای روح زندگی به پارک‌ها را داراست (جیکوبز، ۱۳۸۶). البته این تنوع کارکردی حتی می‌تواند در درون پارک‌ها نیز محقق شود که نمونه برجسته آن "پارک‌بازارها" هستند که حتی در برخی روزهای هفته می‌توانند نقش بازار هفتگی را ایفا کنند (معمدی مهر و مطیع دوست، ۱۳۹۱: ۸۴).

یکی از محققانی که مطالعات میدانی مفصل و تأثیرگذاری در زمینه رابطه فضاهای باز و پارک‌ها با خیابان انجام داد، ویلیام وایت است. او در "پروژه زندگی خیابان"^۲، چگونگی رابطه پلازا با خیابان را جنبه مهم طراحی آن و یکی از عوامل موفقیت یا شکست برخی از پلازاها معرفی کرد. از نظر وایت، خیابان به عنوان بخشی از پلازا یا میدان عمل می‌کند و زندگی اجتماعی هر دو در هم آمیخته است و یک پلازای خوب آن است که از لبه یک خیابان شروع شود؛ جایی که اغلب سرزنده‌ترین جای آن است، و اگر آن لبه شلوغ باشد، پلازا هم یک زندگی اجتماعی پر جنب و جوش خواهد داشت. از این رو برای جذب افراد و بهره‌مندی بیشتر از این معاشرت‌پذیری، نباید پلازا به وسیله دیوار یا نرده و یا درختچه‌ها یا اختلاف زیاد از خیابان جدا شود و دید به آن کاهش یابد (Whyte, 1980: 54-58; Whyte, 2009: 128-129). حالت ایده‌آل آن است که در محل همگرایی یک پلازا یا فضای باز با خیابان و گذار بین این دو به سختی بتوان مرزی را مشخص کرد. او از پارک پیلی^۳ در نیویورک به عنوان یک نمونه بارز یاد می‌کند که پیاده‌روی مقابل آن، بخشی جدایی‌ناپذیر از فضای پارک است (Whyte, 1980: 57).

وایت درباره کارکرد لبه‌ها می‌نویسد: "برای بیشتر مردم، لبه فضای باز، عمدتاً فضای باز محسوب می‌شود" (Whyte, 2002: 172). از نظر او یک فضای شهری، عمده کارکرد خود را در امتداد لبه‌ها^۴ ایفا می‌کند و مردم بیشتر از این بخش استفاده می‌کنند، البته اگر در ورای لبه‌ها فضای باز بیشتری باشد بهتر است و نباید صرفاً به صورت نماهایی باشند وگرنه احساس مطلوبیت را ایجاد نمی‌کند (Whyte, 2002: 171-172). کریستوفر الکساندر نیز در این زمینه نوشت: "اگر لبه درست عمل نکند، فضا هرگز سرزنده نخواهد بود" (Alexander et al., 1977: 600). یان گهل بعداً این پدیده، یعنی جذب مردم به لبه فضاها به منظور ایستادن را اثر لبه^۴ نامید (Gehl, 2010: 137). اما تأثیر لبه‌های فضای باز فقط فراهم کردن فضای ایستادن و معاشرت نیست بلکه بر تصویر ذهنی کاربران نسبت به فضا نیز مؤثر است. وایت معتقد است که با وجود لبه، فضاهای کوچک می‌توانند اثربخش‌تر از فضاهای بزرگ باشند. تقسیم و توزیع یک فضای مفروض به فضاهای کوچک‌تر باعث افزایش لبه‌ها می‌شود و به این وسیله فضاها حداکثر تماس بصری و دسترسی فیزیکی را فراهم می‌کنند. بنابراین یک پارک شهری اگر از اطراف با ساختمان و خیابان احاطه شود و با لبه‌ها از فضاهای پیرامونی جدا شود، بزرگ‌تر به نظر می‌آید (Whyte, 2002: 171-172).

اگر پارک با لبه‌ها به خیابان و ساختمان‌های پیرامونی مرتبط باشد به طور بالقوه سرزندگی و امنیت بیشتری خواهد داشت، زیرا ممکن است برخی از کاربران فضای پارک را به عنوان مسیر عبور و دسترسی به مکان‌های اطراف استفاده کنند. البته در ادبیات شهری همواره تعارض بین نقش‌های شبکه فضای عمومی به عنوان فضای حرکت و فضای اجتماعی (Carmona et al., 2003: 79) و به خصوص برتری کارکرد عبوری بر کارکرد اجتماعی در خیابان‌ها و میدان‌ها مورد انتقاد بوده است، و همان طور که گهل می‌گوید، "یک شهر خوب از تعداد زیاد مردمی که راه نمی‌روند قابل شناسایی است" (Gehl, 2010: 134)، اما در مورد پارک‌های شهری که اساساً امکان حضور و استراحت را فراهم می‌کنند، کارکرد عبوری نیز می‌تواند به ارتقای سرزندگی و به خصوص تأمین امنیت آنها کمک کند. به علاوه احاطه پارک با کاربری مسکونی سبب می‌شود این فضاها به عنوان محدوده‌های اشتراکی برای استفاده ساکنان تعریف شوند، بنابراین به دلیل احساس مسئولیت یا تعلق خاطر ساکنان برای پایش فضاهای پیرامون محل سکونت، امکان نوعی "پایش طبیعی" فراهم می‌شود (Gehl, 2011: 173). در واقع به جای کنترل رسمی و پلیسی، چشمان ناظر بر فضای عمومی به تأمین امنیت آن کمک می‌کند. این ایده‌ای بود که اسکار نیومن در طرح مشهور خود با عنوان "فضای قابل دفاع" به سال ۱۹۷۲ به کار گرفت، یعنی بازساخت طرح کالبدی محله‌ها به منظور افزایش پایش و کنترل ساکنان بر محیط پیرامون خانه‌ها و تکیه کم‌تر بر مداخله حکومت محلی برای تأمین امنیت (Newman, 1996: 9).

1. Street Life Project
2. Paley
3. Edges
4. Edge Effect

به علاوه ارتباط پارک و خیابان به واسطه لبه‌ها می‌تواند بر تصویر ذهنی کاربران از فضا نیز مؤثر باشد، زیرا "دسترسی بصری" بیش‌تر سبب می‌شود که فضا در نظر کاربران دعوت‌کننده‌تر و امن‌تر جلوه کند. وایت اشاره می‌کند برای این که یک فضا کارکرد خود را به خوبی ایفا کند باید در محدوده تحت پوشش خود به عنوان یک نقطه تمرکز عمل کند؛ اگر هم در بعد کالبدی این گونه نباشد باید از نظر بصری دسترس‌پذیر باشد (Whyte, 2009: 128). دسترسی بصری به افراد امکان می‌دهد پیش از ورود به یک فضا، درباره احساس راحتی، خوشایندی و امنیت درون آن قضاوت کنند (Carmona et al., 2003: 124). معمولاً مردم وقتی می‌بینند دیگران قبل از آنها با آسودگی در یک فضای شهری حضور دارند، احساس راحتی و امنیت بیشتری خواهند داشت (Shaftoe, 2008: 55). این ویژگی در مورد حضور زنان بیشتر صدق می‌کند، چرا که حضور تعداد قابل ملاحظه‌ای از زنان در یک پارک شاخصی پذیرفتنی برای امن بودن آن تلقی می‌شود (Gehl & Svarre, 2013: 14). به علاوه کیفیت نگهداری پارک نیز می‌تواند از نظر ذهنی بر احساس امنیت تأثیرگذار باشد. تحقیقات در مورد پارک‌ها در فیلادلفیا نشان می‌دهد که چگونه نگهداری نامناسب از پارک‌های شهر می‌تواند منجر به فرهنگ ترس در رابطه با این گونه فضاهای عمومی شود (Pearsall & Eller, 2020: 3). عدم نگهداری و نظافت فضا می‌تواند نشانه نبود کنترل فردی و جمعی تلقی شود و بر کاهش احساس امنیت مؤثر باشد (لطفی و سانی‌پور، ۱۳۹۹: ۷۵۴). امنیت و دسترسی بصری شبانه پارک نیز مستلزم روشنایی مناسب است که موجب استمرار پیوند کارکردی آن با خیابان در طول شب می‌شود. زمان‌های کاری معطف به طور فزاینده‌ای به همراه خود تقاضا برای خدمات معطف را ایجاد می‌کند و مستلزم وجود برخی خدمات و فعالیت‌های شهری شبانه است. این روند به همراه خود موجب شکل‌گیری مفهوم "اقتصاد شبانه" شده است که بیانگر یک شکل اقتصادی است که مربوط است به گذار از شهر به عنوان مکان تولید به شهر به عنوان مکان مصرف (Pottharst & Konecke, 2013: 39). نکته قابل تأمل در مورد فعالیت شبانه پارک این است که نباید به آن صرفاً به عنوان تداوم خدمات فضای سبز و تفریح در ساعات شبانه نگریست زیرا نوع فعالیت شبانه بسیاری از پارک‌ها، نمایانگر یک سبک زندگی و یک فرهنگ شهری متمایز است، و برخی از پارک‌ها در نتیجه زندگی شبانه خود می‌توانند بر تصویر ذهنی و هویت یک شهر یا بخشی از آن مؤثر باشند.

روش پژوهش

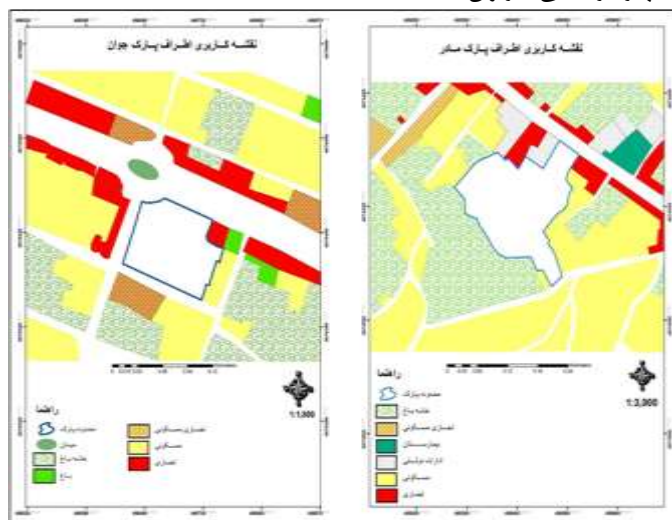
این مطالعه به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. داده‌های تحقیق از طریق روش‌های مشاهده میدانی و نیز پیمایش نظرات ۴۰۰ نفر از کاربران پارک‌ها با استفاده از پرسشنامه (۲۰۰ نفر برای هر پارک و صرفاً از ساکنان تنکابن) گردآوری شده‌اند. متغیرهای مورد سنجش و گویه‌های پرسشنامه (عمدتاً بر اساس مقیاس لیکرت) با هدف تمرکز بر وجوه تمایز عمده بین دو پارک یعنی چگونگی رابطه پارک‌ها با فضاهای عمومی پیرامونی و کیفیت کالبدی و امکانات پارک‌ها انتخاب شده‌اند. تأثیر این متغیرهای مستقل بر امنیت و سرزندگی و میزان رضایت و چگونگی استفاده کاربران بررسی شده‌اند. رابطه پارک با فضاهای عمومی پیرامون از طریق چند مؤلفه سنجیده شده است: دید خانه‌های اطراف به پارک، تأثیر مغازه‌های اطراف بر سرزندگی، دسترسی بصری به پارک و دید به پیاده‌رو و خیابان از داخل پارک، کارکرد عبوری پارک، و پیوستگی فضایی پارک و پیاده‌رو. برای سنجش امنیت و سرزندگی پارک در ساعات مختلف، مؤلفه‌هایی شامل تأثیر فضاهای دور از دید و متروک پارک، مشاهده افراد نامطلوب و رفتارهای ضداجتماعی، و امنیت پارک برای کودکان، بررسی شده‌اند. مؤلفه‌های کیفیت کالبدی و امکانات عبارتند از: وسعت، نظافت و نگهداری، آلودگی صوتی، وسایل بازی کودکان، امکانات ورزشی، بهداشتی، فرهنگی، کیفیت مبلمان، کف‌سازی، روشنایی و طراحی منظر. مؤلفه‌های مربوط به وضع موجود پارک از نظر کیفیت کالبدی، امکانات و امنیت، خود تا حدی نمایانگر میزان رضایت و استفاده کاربران هستند، اما با وجود این گویه‌های دیگری در پرسشنامه گنجانده شد تا به طور مستقیم و به صورت جداگانه تأثیر وضعیت موجود بر میزان و توالی استفاده کاربران ارزیابی شود. مؤلفه‌هایی که در این مورد تعریف شده‌اند عبارتند از: فردی یا جمعی بودن استفاده، مناسب بودن پارک برای پیک نیک و وقت‌گذرانی خانوادگی، تأثیر پارک بر زمینه‌سازی روابط اجتماعی، جذابیت و رضایت بخش بودن پارک، کیفیت وسایل بازی کودکان و وسایل ورزشی، برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی و هنری، جای نشستن و سایه‌دار، طراحی پارک و محوطه‌سازی، روشنایی و امکانات. در تحلیل داده‌های

۱. جامعه آماری شامل تمام ۵۵۰۰۰ ساکن شهر تنکابن نیست بلکه صرفاً کاربران پارک‌ها را شامل می‌شود؛ کاربرانی که ساکن شهرند. از این رو حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران برای جامعه آماری نامعلوم با خطای ۵ درصد محاسبه شد که برابر با ۳۸۴ نفر است که با توجه به پیش‌بینی وجود پرسشنامه‌های ناقص، تعداد بیشتری تکمیل شد.

آمار، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن داده‌ها، و نیز از آزمون تی تک نمونه، آزمون تی مستقل، همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شده است. بررسی و مقایسه وضعیت رابطه متقابل هر یک از پارک‌ها با فعالیت‌ها و فضاهای عمومی پیرامونی و کیفیت کالبدی و تسهیلات موجود در دو پارک با استفاده از آزمون تی استیودنت تک نمونه‌ای انجام شده، و سپس برای مقایسه این مؤلفه میان دو پارک، از آزمون تی گروه‌های مستقل استفاده شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

دو پارک مورد مطالعه در لبه خیابان اصلی تنکابن که با طولی حدود ده کیلومتر به صورت شرقی-غربی امتداد دارد، جای گرفته‌اند (شکل ۱). شهر ساحلی تنکابن دارای ساختار خطی است و خیابان مذکور در واقع ادامه جاده ساحلی است که از بافت شهر می‌گذرد و بسیاری از کارکردهای تجاری، اداری، خدماتی و فرهنگی مهم در امتداد این مسیر قرار دارند. رودخانه چشمه کیله به همراه پارک و فضاهای سبز کرانه آن، درست در مرکز این کریدور، شهر را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم کرده است. پارک مادر در بخش شرقی، در حاشیه مسیر شرقی-غربی مذکور و در پیوند با یک محله مسکونی قدیمی و تقریباً سطح متوسط قرار گرفته است. پارک کوچک "جوان" نیز در حاشیه همان مسیر شرقی-غربی اصلی، اما در بخش غربی شهر، در بافت جدید و متمول‌ترین محله مسکونی شهر قرار دارد. مساحت پارک مادر کمی بیش از سی هزار مترمربع است که بخشی از آن به عملکردهای متنوع موجود در محدوده آن اختصاص دارد، شامل: سالن تئاتر، سالن ورزشی، پارک بانوان، و پارک ترافیک مخصوص آموزش کودکان که بر اساس مصاحبه‌های انجام شده اکثر بازدیدکنندگان از واگذاری آن به بخش خصوصی ناراضی بودند. پارک مادر دارای فضای سبز مترکم‌تر (شکل ۲) و به شکل یک چندضلعی نامنظم است. این فرم نامنظم به علاوه استقرار ساختمان‌های مربوط به عملکردهای مختلف در ایجاد فضاهای دور از دید مؤثر بوده است. از سوی دیگر تنها حدود ۴۰ متر از ضلع شمالی پارک، با دسترسی بصری محدود به خیابان اصلی مشرف است. کاربری‌های پیرامون پارک در این ضلع شامل بیمارستان، اداری و تجاری است. در سایر جهت‌ها، پارک با کاربری‌های مسکونی و مسیر فرعی داخل بافت مسکونی هم‌مرز است. مساحت پارک جوان (پارک کریم‌آباد) ۸۲۰۰ متر مربع است که از سمت شمال و غرب به خیابان اصلی و از سمت جنوب به کوچه و از سمت شرق به ساختمان‌های مسکونی بلند مرتبه منتهی می‌شود (شکل ۳). در گوشه شمال غربی پارک، میدان کوچکی قرار دارد که بیشتر به صورت یک فلکه کوچک عمل می‌کند و کارکرد ترافیکی دارد. پارک از هر سو دسترس‌پذیر است و پیوستگی بصری و کالبدی پارک و پیاده‌روهای پیرامون آن به یک فضای یکپارچه شکل داده است. همچنین تمرکز فضاهای خرید، رستوران‌های سنتی و فست فود، کافه و سایر مکان‌های پذیرایی در این محدوده به تقویت ارتباط متقابل پارک و خیابان کمک می‌کند. بیشتر مکان‌های پذیرایی در چند سال اخیر در این محدوده ایجاد شده‌اند. بخشی از پارک جوان به وسایل بازی کودکان اختصاص دارد که آن نیز به بخش خصوصی واگذار و موجب اظهار نارضایتی کاربران شده است.



شکل ۱. موقعیت پارک‌های مورد مطالعه در ارتباط با خیابان اصلی و کاربری‌های اطراف



شکل ۳. فضای سبز پارک جوان



شکل ۲. فضای سبز پارک مادر

یافته‌ها و بحث

از خصوصیات جمعیت‌شناختی پاسخگویان به این موارد می‌توان اشاره کرد؛ حدود ۴۵ درصد پاسخگویان در پارک جوان مرد و ۵۵ درصد آنها زن هستند. این تعداد برای پارک مادر در حدود ۴۴ درصد مرد و ۵۶ درصد زن است. سن اکثر پاسخگویان در پارک جوان (۶۳/۵۰ درصد) بین ۲۱ تا ۴۰ سال و کم‌ترین آنها (۱ درصد) ۶۱ سال و بالاتر است. همچنین سن اکثر افراد پاسخگویان در پارک مادر (۶۸/۵۰ درصد) بین ۲۱ تا ۴۰ سال و کم‌ترین آنها (۳ درصد) ۶۱ سال و بالاتر است.

در بررسی پارک‌ها، شناخت اهداف عمده کاربران از رفتن به پارک، استفاده فردی یا به همراه دیگران و چگونگی تعاملات کاربران با افراد دیگر می‌تواند بازگوکننده نقش اجتماعی این فضاهای عمومی باشد. در هر دو پارک مورد مطالعه، عمده استفاده‌ها به صورت یک فعالیت فردی نبوده و حدود ۸۰ درصد کاربران به همراه دیگران به پارک مراجعه می‌کنند. اهداف عمده کاربران از حضور در پارک‌های مادر و جوان تقریباً مشابه است و به ترتیب گردش و بازی کودکان (حدود ۳۲ درصد در پارک جوان و حدود ۲۸ درصد در پارک مادر)، استفاده از فضای سبز، و ملاقات با دوستان و همسایگان ذکر شده است. زوال الگوی خانه‌های حیاطدار، بر ضرورت استفاده از پارک به منظور بازی کودکان و ملاقات با آشنایان می‌افزاید، و این نوع استفاده به خصوص در مورد بازی و جامعه‌پذیری کودکان مستلزم مراجعه مکرر است. بر اساس پیمایش، بیش‌ترین توالی استفاده کاربران از پارک‌های مورد بررسی به صورت چند بار در هفته و پس از آن چند بار در ماه بوده است. فعالیت‌هایی مانند پیاده‌روی و ورزش و حتی استفاده از فضاهای فرهنگی (تنها در پارک مادر وجود دارد) دلیل حضور درصد بسیار کم‌تری از کاربران در پارک بودند.

رضایت کاربران از پارک‌ها در پاسخ‌گویی به نیازها و انتظارات آنها به ویژه میزان رضایت از امنیت پارک با استفاده از گویه‌های مختلف بررسی شد. میزان رضایت از دو پارک تقریباً یکسان است زیرا برای اکثر کاربران (حدود ۵۵ درصد) در حد متوسط ارزیابی شده است؛ تنها حدود ۲۸ درصد کاربران میزان رضایت از پارک مادر را زیاد و خیلی زیاد ذکر کرده‌اند و این مقدار برای پارک جوان ۲۰ درصد است. اما با وجود این همسانی، عوامل تأثیرگذار بر میزان رضایت با توجه به تمایزات پارک‌ها تا حدی متفاوت و قابل تحلیل است؛ به ویژه در مورد مؤلفه‌های مربوط به رابطه متقابل پارک‌ها با فعالیت‌ها و فضاهای عمومی پیرامونی. در این زمینه، در بیشتر مؤلفه‌های مورد بررسی در پیمایش، پارک جوان بالاتر از پارک مادر قرار گرفت، از جمله: بالا رفتن امنیت پارک به دلیل اشراف خانه‌های اطراف به پارک؛ تأثیر مغازه‌های اطراف (به خصوص مکان‌های پذیرایی) بر جذابیت و سرزندگی پارک؛ و تأثیر پیوستگی کالبدی پارک با پیاده‌رو و خیابان و نیز امکان تماشای خیابان‌های اطراف و فعالیت‌های آنها از داخل پارک بر افزایش تمایل کاربران برای استفاده از پارک. مشرف بودن سه ضلع پارک جوان به پیاده‌رو علاوه بر دسترسی فیزیکی، امکان «دسترسی بصری» به فضای داخل پارک و القای حس امنیت را فراهم می‌کند. به علاوه دید کاربران پارک جوان به فضاهای پیرامونی و امکان مشاهده خیابان و فعالیت‌های آن عامل افزایش جذابیت و سرزندگی پارک شده است. در مقایسه با پارک جوان، دسترسی بصری و ارتباط پارک مادر با فضاها و فعالیت‌های پیرامونی بسیار محدودتر است که انعکاس آن در پاسخ‌های کاربران دیده می‌شود. به منظور بررسی وضعیت رابطه متقابل هر یک از پارک‌ها با فعالیت‌ها و فضاهای عمومی پیرامونی، از آزمون تی استیوننت تک نمونه‌ای و سپس برای مقایسه دو پارک در مؤلفه‌های مربوطه، از آزمون تی گروه‌های مستقل استفاده شد. با توجه به نتایج

آزمون تی استیودنت (جدول ۱)، رابطه متقابل پارک با فعالیت‌ها و فضاهای عمومی پیرامونی در پارک جوان بالاتر از مقدار متوسط (۳) و در حد مطلوب ارزیابی شد. اما میزان این رابطه در پارک مادر کمتر از مقدار متوسط (۳) و نامطلوب ارزیابی شده است.

جدول ۱. نتایج آزمون تی استیودنت برای بررسی وضعیت رابطه متقابل پارک‌ها با فعالیت‌ها و فضاهای عمومی پیرامونی

پارک	میانگین	انحراف معیار	مقدار آماره t	درجه آزادی	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
					سطح معناداری	حد پایین / حد بالا
پارک جوان	۳/۴۲	۰/۹۰۴	۶/۵۴	۱۹۹	۰/۰۰۱	۰/۲۹۲ / ۰/۵۴۴

با توجه به نتایج آزمون تی مستقل (جدول ۲)، سطح معناداری آزمون کوچک‌تر از مقدار ۰/۰۵ است که نشان دهنده وجود تفاوت معنادار بین دو پارک است. مقادیر میانگین‌ها بیانگر این است که رابطه متقابل پارک جوان با فعالیت‌ها و فضاهای عمومی پیرامونی بالاتر است. این نتایج را می‌توان با یافته‌های مربوط به میزان امنیت پارک‌ها نیز تطبیق داد، اگرچه عوامل دیگری نیز در میزان امنیت مؤثر است که در پی می‌آید.

جدول ۲. نتایج آزمون تی استیودنت مستقل برای مقایسه رابطه متقابل پارک‌ها با فعالیت‌ها و فضاهای عمومی

پارک	میانگین	انحراف معیار	مقدار آماره t	درجه آزادی	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
					سطح معناداری	حد پایین / حد بالا
پارک جوان	۳/۴۲	۰/۹۰۴	۶/۳۴۷	۳۹۸	۰/۰۰۱	۰/۳۹۱ / ۰/۷۴۱
پارک مادر	۲/۸۵	۰/۸۷۹				

یافته‌های ذکر شده در زمینه دسترسی بصری به پارک‌ها و رابطه متقابل پارک‌ها با فعالیت‌ها و فضاهای عمومی پیرامونی را می‌توان با ارزیابی کاربران از میزان امنیت پارک‌ها انطباق داد. یافته‌های مربوط به میزان رضایت کاربران از امنیت پارک‌ها نشان می‌دهد که رضایت از پارک جوان بیشتر از پارک مادر است. وسعت، فرم و ساختمان‌های درون پارک مادر - که پیش‌تر اشاره شد - می‌تواند در این ارزیابی تأثیرگذار باشد. به علاوه کاربران، تأثیر نقاط دور از دید و متروک بر کاهش حس امنیت در پارک مادر را بالاتر ارزیابی کرده‌اند. فرم هندسی بسیار نامنظم پارک مادر و عدم دسترسی بصری مناسب، در ایجاد گوشه‌ها و نقاط دور از دید مؤثر بوده است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شده در صورت مشرف بودن پارک به خیابان، همین فرم هندسی نامنظم می‌توانست به علت گسترش لبه‌ها به مطلوبیت و سرزندگی بیشتر منجر شد.

با توجه به این که درصد بالایی از کاربران، هدف از حضور در پارک را گردش و بازی کودکان ذکر کرده‌اند، مسئله دسترسی بصری از فضاهای عمومی پیرامونی و نقاط دور از دید و متروک می‌تواند تأثیر بیشتری بر استفاده از پارک‌ها داشته باشد. به طوری که در ارزیابی کاربران از امنیت پارک‌ها برای کودکان، پارک جوان وضعیت مطلوب‌تری داشته است. همچنین در پارک مادر مشاهده افراد نامطلوب از نظر اجتماعی در جاهای متروک یا دور از دید بیشتر از پارک جوان گزارش شد و نیز کاربران پارک مادر در مقایسه با پارک جوان، نقش این عامل را در کاهش تمایل به استفاده از پارک بالاتر ذکر کردند. این موضوع با سایر پاسخ‌ها نیز انطباق دارد؛ با این که فضای سبز پارک جوان بسیار محدودتر از پارک مادر است، کاربران پارک جوان آن را فضای مناسب‌تری برای پیک نیک و وقت‌گذرانی خانوادگی ارزیابی کرده‌اند.

در کنار بررسی عوامل اثرگذار بر احساس امنیت کاربران، برداشت کاربران از میزان امنیت پارک‌ها در بازه‌های زمانی مختلف نیز با استفاده مقیاس لیکرت مورد پرسش قرار گرفت. کاربران، ارزیابی روشن‌تری از تأثیر عوامل مختلف بر امنیت پارک دارند اما در مورد مقایسه وضعیت امنیت پارک در بازه‌های زمانی مختلف، اشراف یا برداشت روشنی نداشتند بنابراین بیشترین درصد کاربران گزینه‌های نمی‌دانم و متوسط را در پاسخ انتخاب کردند. با وجود این، تنها در یک بازه زمانی تفاوت در پاسخ‌ها آشکار بود که در نتایج آزمون تی گروه‌های مستقل نیز تأیید می‌شود. با توجه به نتایج آزمون تی مستقل (جدول ۳)، سطح معناداری آزمون در تمام بازه‌های زمانی مورد بررسی بجز بازه زمانی ۱۰ تا ۱۲ شب، و همچنین میزان رضایت از امنیت پارک، بزرگتر از مقدار ۰/۰۵ است که نشان دهنده عدم وجود تفاوت معنادار بین دو پارک است. اما در بازه زمانی ۱۰ تا ۱۲ شب سطح معناداری آزمون کوچک‌تر از مقدار ۰/۰۵ و نشان دهنده وجود تفاوت معنادار بین دو پارک است. با توجه به مقادیر میانگین‌ها مشخص می‌شود که میزان رضایت از امنیت پارک در ساعت ۱۰ تا ۱۲ شب در پارک جوان بیشتر از پارک مادر است.

جدول ۳. نتایج آزمون تی استیودنت مستقل برای امنیت در ساعات مختلف بین دو پارک مادر و جوان

بازه زمانی	پارک	میانگین	انحراف معیار	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
							حد پایین	حد بالا
۷ تا ۹ صبح	پارک جوان	۲/۰۴	۱/۸۷۸	-۱/۶۲۱	۳۹۸	۰/۱۰۶	-۰/۶۴۲	۰/۰۶۲
	پارک مادر	۲/۳۳	۱/۶۹۶					
۹ تا ۲ بعد از ظهر	پارک جوان	۱/۹۵	۱/۸۳۴	-۰/۸۲۹	۳۹۸	۰/۴۰۷	-۰/۴۸۹	۰/۱۹۹
	پارک مادر	۲/۱۰	۱/۶۵۸					
۲ تا ۶ عصر	پارک جوان	۲/۴۱	۱/۸۶۸	-۱/۱۲۱	۳۹۸	۰/۲۶۳	-۰/۵۵۱	۰/۱۵۱
	پارک مادر	۲/۶۱	۱/۶۹۵					
۸ تا ۱۰ شب	پارک جوان	۲/۵۷	۱/۸۱۱	۱/۲۳۷	۳۹۸	۰/۲۱۷	-۰/۱۲۷	۰/۵۵۷
	پارک مادر	۲/۳۶	۱/۶۶۲					
۱۰ تا ۱۲ شب	پارک جوان	۱/۹۶	۱/۸۲۹	۳/۵۸۷	۳۹۸	۰/۰۰۱	۰/۲۶۲	۰/۸۹۸
	پارک مادر	۱/۳۸	۱/۳۷۳					
رضایت از امنیت	پارک جوان	۲/۹۰	۱/۲۰۷	۱/۴۷۱	۳۹۸	۰/۱۴۲	-۰/۰۵۷	۰/۳۹۷
	پارک مادر	۲/۷۳	۱/۱۰۱					

سرزندگی این پارک‌ها نیز در مقاطع زمانی مختلف بررسی شد. نتایج آزمون تی مستقل (جدول ۴) با توجه به میانگین امتیازات نشان می‌دهد که در بازه زمانی ۷ صبح تا ۶ عصر میزان سرزندگی در پارک مادر بیشتر است، اما در بازه زمانی ۸ تا ۱۰ شب سطح معناداری آزمون بزرگتر از مقدار ۰/۰۵ بوده که عدم وجود تفاوت معنادار بین دو پارک را نشان می‌دهد. اما در تطابق با ارزیابی کاربران از امنیت پارک، در این مورد هم در بازه زمانی ۱۰ تا ۱۲ شب تفاوت بین دو پارک مشخص و قابل تحلیل است و در این محدوده زمانی سرزندگی در پارک جوان بیشتر است. مشاهدات میدانی نیز با نظر کاربران تطبیق دارد. تنوع عملکردها در پارک مادر از جمله فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی در سرزندگی آن در طول روز مؤثر است، با شروع زندگی شبانه شهری پارک جوان و مکان‌های پذیرایی پیرامون آن نقش مؤثرتری ایفا می‌کند. در این زمان به خصوص در فصول گردشگری پارک جوان فعال‌ترین فضای عمومی شهر از نظر کارکرد اجتماعی است.

جدول ۴. نتایج آزمون تی استیودنت مستقل برای سرزندگی در ساعات مختلف بین دو پارک مادر و جوان

بازه زمانی	پارک	میانگین	انحراف معیار	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
							حد پایین	حد بالا
۷ تا ۹ صبح	پارک جوان	۱/۵۳	۱/۶۴۱	-۲/۸۱	۳۹۸	۰/۰۰۵	۰/۱۶۴	-۰/۷۸۲
	پارک مادر	۱/۹۹	۱/۶۳۵					
۹ تا ۲ بعد از ظهر	پارک جوان	۱/۳۳	۱/۴۱۰	-۲/۳۳	۳۹۸	۰/۰۲۰	۰/۱۴۱	-۰/۶۰۸
	پارک مادر	۱/۶۶	۱/۴۱۶					
۲ تا ۶ عصر	پارک جوان	۲/۲۰	۱/۸۱۸	-۲/۲۸	۳۹۸	۰/۰۲۳	۰/۱۷۵	-۰/۷۴۵
	پارک مادر	۲/۶۰	۱/۶۸۶					
۸ تا ۱۰ شب	پارک جوان	۳/۳۴	۱/۸۱۷	۱	۳۹۸	۰/۳۲۰	۰/۱۸۱	-۰/۱۷۶
	پارک مادر	۳/۱۶	۱/۸۰					
۱۰ تا ۱۲ شب	پارک جوان	۲/۴۸	۱/۹۹۲	۲/۲۴	۳۹۸	۰/۰۲۵	۰/۱۸۷	۰/۰۵۲
	پارک مادر	۲/۰۶	۱/۷۴۱					

به منظور بررسی همبستگی بین ارتباط متقابل پارک‌ها با فعالیت‌ها فضاهای عمومی پیرامونی و امنیت و سرزندگی آنها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. با توجه به نتایج (جدول ۵)، بین ارتباط متقابل پارک‌ها با فعالیت‌ها فضاهای عمومی پیرامونی و امنیت و سرزندگی آنها در هر دو پارک جوان و پارک مادر در سطح ۹۵ درصد مثبت معنادار وجود دارد. بدین معنا که هر چه رابطه متقابل پارک‌ها با فعالیت‌ها فضاهای عمومی پیرامونی بالاتر باشد، میزان امنیت و سرزندگی آنها نیز بالاتر خواهد بود.

جدول ۵. نتایج آزمون همبستگی رابطه متقابل پارک‌ها با فعالیت‌ها فضاهای عمومی پیرامونی و امنیت و سرزندگی

پارک	پارک جوان		پارک مادر		نتیجه
	مقدار همبستگی	سطح معناداری	مقدار همبستگی	سطح معناداری	
امنیت	۰/۴۲۰	۰/۰۰۱	۰/۲۴۷	۰/۰۰۱	رابطه معنادار
سرزندگی	۰/۳۹۷	۰/۰۰۱	۰/۲۶۶	۰/۰۰۱	رابطه معنادار

در پارک مادر در مقایسه با پارک جوان، رضایت کاربران از جنبه‌های کالبدی و امکانات موجود در پارک از جمله طراحی، محوطه‌سازی و گلکاری، کیفیت نورپردازی، وجود محل‌های سایه‌دار، نظافت و نگهداری، وسایل بازی کودکان، و مطلوبیت وسعت پارک بیش‌تر است. به علاوه برگزاری برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی و هنری در پارک مادر بر سرزندگی و جذابیت آن مؤثر است. در مورد جای نشستن و وسایل ورزشی، کاربران در پارک مادر تا حدی کمبود بیشتری را نسبت به کاربران پارک جوان احساس کرده‌اند. اما با توجه به نتایج آزمون تی استیودنت (جدول ۶)، کیفیت کالبدی و تسهیلات موجود در هر دو پارک بالاتر از مقدار متوسط (۳) بوده و در حد مطلوب ارزیابی می‌شود. اما رابطه متقابل پارک‌ها با فعالیت‌ها و فضاهای عمومی پیرامونی در پارک مادر کمتر از مقدار متوسط (۳) بوده و نامطلوب ارزیابی می‌شود.

جدول ۶. نتایج آزمون تی استیودنت برای بررسی رابطه متقابل پارک‌ها با فعالیت‌ها و فضاهای عمومی پیرامونی

و کیفیت کالبدی و تسهیلات موجود

بازه زمانی	پارک	میانگین	انحراف معیار	مقدار آماره t	درجه آزادی	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
						حد پایین	حد بالا
رابطه متقابل با فعالیت‌ها و فضاهای عمومی	پارک جوان	۳/۴۲	۰/۹۰۴	۶/۵۴	۱۹۹	۰/۲۹۲	۰/۵۴۴
کیفیت کالبدی و تسهیلات موجود	پارک مادر	۲/۸۵	۰/۸۸۰	-۲/۳۸	۱۹۹	-۰/۳۷۱	-۰/۰۲۵
رابطه متقابل با فعالیت‌ها و فضاهای عمومی	پارک جوان	۳/۱۹	۰/۶۵۳	۴/۰۹	۱۹۹	۰/۰۹۸	۰/۲۸۰
کیفیت کالبدی و تسهیلات موجود	پارک مادر	۳/۳۸	۰/۶۱۰	۸/۷۲	۱۹۹	۰/۲۹۱	۰/۴۶۲

با توجه به نتایج آزمون تی مستقل در (جدول ۷)، سطح معناداری آزمون برای دو شاخص رابطه متقابل پارک‌ها با فعالیت‌ها و فضاهای عمومی و کیفیت کالبدی و تسهیلات موجود کوچک‌تر از مقدار ۰/۰۵ است که نشان دهنده وجود تفاوت معناداری بین دو پارک است. اما با توجه به مقادیر میانگین‌ها مشخص می‌شود که تأثیرگذاری رابطه متقابل پارک با فعالیت‌ها و فضاهای عمومی پیرامونی بر رضایت کاربران در پارک جوان و تأثیرگذاری کیفیت کالبدی و تسهیلات موجود در پارک مادر بر رضایت کاربران بالاتر است.

جدول ۷. نتایج آزمون تی استیودنت مستقل برای مقایسه رابطه متقابل پارک‌ها با فعالیت‌ها و فضاهای عمومی پیرامونی و

کیفیت کالبدی و تسهیلات موجود بین دو پارک مادر و جوان

شاخص	پارک	میانگین	انحراف معیار	مقدار آماره t	درجه آزادی	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
						حد پایین	حد بالا
رابطه متقابل با فعالیت‌ها و فضاهای عمومی	پارک جوان	۳/۴۲	۰/۹۰۴	۶/۳۴۷	۳۹۸	۰/۳۹۱	۰/۷۴۱
کیفیت کالبدی و تسهیلات موجود	پارک مادر	۲/۸۵	۰/۸۸۰	-۲/۹۶۸	۳۹۸	-۰/۳۱۲	-۰/۰۶۳

به بیان دیگر، از آنجا که پارک جوان از فضای سبز قابل توجه و فضای کافی برای پیاده‌روی یا فعالیت‌های فیزیکی دیگر بی‌بهره است، رضایت کاربران از پارک را باید با توجه به پیوستگی‌اش با خیابان و نقش برجسته‌تر آن به عنوان یک فضای اجتماعی تحلیل کرد.

نتیجه گیری

بررسی پارک‌های مادر و جوان با تمرکز بر تمایزات آنها از جنبه وسعت و ویژگی‌های فضایی-کالبدی و چگونگی رابطه با فضاهای عمومی پیرامون انجام گرفت و در چارچوب پرسش‌های تحقیق، تأثیر این ویژگی‌ها بر کارکردهای اجتماعی و استفاده کاربران از پارک‌ها تحلیل شد. بر اساس تحلیل مجموعه عوامل مورد بررسی، میزان استفاده و رضایت کاربران از پارک مادر، در رابطه با ویژگی‌های کالبدی و امکانات موجود در پارک، از جمله وسعت، طراحی و منظر و عملکردهای فرهنگی قابل تبیین است. اما پارک جوان کارکرد اجتماعی خود را تا حد زیادی مدیون چگونگی ارتباط با فضاهای عمومی پیرامون و فعالیت‌های جاری در آن است و این عامل با سرزندگی و امنیت به خصوص استمرار زندگی شبانه آن دارای همبستگی است. این ویژگی‌های فضایی، کارکرد اجتماعی ویژه‌ای را برای پارک جوان در میان فضاهای عمومی شهر ایجاد کرده است، هرچند در جنبه‌های دیگر از جمله وسعت، فضای سبز سایه‌دار و خدمات مختلف دارای محدودیت‌هایی است. اما با وجود وسعت کم در چهار جهت لبه‌های پارک جوان به پیاده‌رو مشرف است و همان گونه که مطالعات ویلیام وایت (Whyte, 2002; Whyte, 2009) نشان می‌دهد، این ویژگی می‌تواند دسترسی بصری بهتر و بزرگ‌تر به نظر رسیدن پارک را سبب شود. بر مبنای پیمایش و مشاهدات میدانی این پارک را می‌توان در پیوند با کاربری‌های پذیرایی خیابان‌های اطراف، سرزنده‌ترین فضای عمومی دارای زندگی شبانه به خصوص با حضور گردشگران به حساب آورد.

ماهیت پیچیده استفاده شهروندان از فضاهای عمومی شهری به گونه‌ای است که در تحلیل عوامل اثرگذار بر کیفیت استفاده از پارک‌ها و رضایت کاربران، روابط چندگانه و پیچیده‌ای را می‌توان بین این عوامل ترسیم کرد. به عنوان مثال، میزان رضایت از امکانات بازی کودکان در پارک جوان اندکی کم‌تر از پارک مادر است اما در مقابل، امنیت پارک جوان برای بازی کودکان تا حدی بیشتر ارزیابی شده است. در مثالی دیگر، وسعت پارک مادر تا حدی بر مطلوبیت آن در مقایسه با پارک جوان افزوده است، اما این وسعت و لحاظ نشدن برخی الزامات طراحی سبب شده که پارک مادر از نظر امنیت رتبه پایین‌تری نسبت به پارک جوان داشته باشد. هر دو پارک در مجاورت مناطق مسکونی پرتراکم قرار دارند، از این رو بیشترین تعداد پاسخگویان هدف از رفتن به پارک را گردش و بازی کودکان ذکر کرده‌اند، این در حالی است که امکانات بازی کودکان در پارک‌ها، ناکافی ارزیابی شده است. بنابراین توجه به نیازهای مختلف کاربران پارک‌ها و چگونگی پاسخ به آنها تا حدی نشان می‌دهند که چرا عمده کاربران میزان جذابیت و رضایت از پارک‌ها را متوسط ارزیابی کرده‌اند. در هر دو پارک مورد مطالعه، تنها بین ۲۰ تا ۳۰ درصد کاربران، آنها را جذاب و رضایت‌بخش ارزیابی کرده‌اند و بیش از نیمی از پاسخگویان رضایت نسبی از آنها دارند.

در مقایسه بین دو پارک، وضعیت پارک جوان از جهاتی قابل تأمل است زیرا با توجه به محدودیت وسعت و امکانات و سبزیگی، به عنوان یک فضای عمومی دارای زندگی شبانه از کارکرد اجتماعی ویژه‌ای برخوردار است. پارک جوان در نیش میدان بسیار کوچکی که تنها برای عملکرد ترافیکی طراحی شده واقع شده و با جبران فقدان فضای مکث و کارکردهای متنوع آن میدان، به نوعی کارکرد اجتماعی یک میدان و پلازا را ایفا می‌کند. این در حالی است که دو میدان اصلی شهر که در خیابان مشترک با پارک جوان واقع‌اند نیز فاقد فضای مکث و تعاملات اجتماعی هستند. توجه به این ظرفیت اجتماعی و کارکردی پارک جوان از آن جهت دارای اهمیت است که می‌تواند در بر دارنده رهنمودهایی برای اقدامات عملی در زمینه تغییرات فضای پارک باشد.

به عنوان آموزه نظری برآمده از بررسی پارک‌ها می‌توان گفت، اگرچه کارکردهای اجتماعی پارک‌های شهری تحت تأثیر عواملی از قبیل خصوصیات کالبدی، طراحی، مبلمان، امکانات خدماتی، مدیریت و نگهداری و رعایت انواع الزامات برنامه‌ریزی است، اما باید در نظر داشت که پارک‌ها بخشی پیوسته و جدایی‌ناپذیر از فضاهای عمومی و فعالیت‌های جاری در آن هستند و حتی اثربخشی خصوصیات مذکور نیز تا اندازه زیادی تحت تأثیر بافتار فضایی-اجتماعی ویژه‌ای است که پارک در درون آن کارکردهایش را ایفا می‌کند و از این رو باید پارک و ظرف فضایی دربرگیرنده آن را به صورت یکپارچه نگریست و بررسی کرد. این نکات به معنی نادیده انگاشتن اهمیت اکولوژیکی پارک‌ها و ضرورت تأمین فضای سبز بهینه نیست زیرا با توجه به تراکم و چیرگی محیط مصنوع شهر، ضرورت گسترش فضای باز و سبز واقعیتی انکارناپذیر است، اما تمرکز صرف بر رویکرد کمیت‌گرا اساساً تقلیل‌گرایانه است زیرا همان طور که جیکوبز (جیکوبز، ۱۳۸۶) نشان داد تأمین سطح فضای سبز پیش‌بینی شده الزاما به معنی خلق فضای اجتماعی مطلوب و استفاده بهینه شهروندان از آن نیست اما در عوض، توجه به ظرفیت‌های اجتماعی پارک‌ها، حتی اگر سهم ناچیزی در تأمین فضای سبز داشته باشند، می‌تواند استفاده بیشتر از پارک‌ها و غنای زندگی اجتماعی شهر را در پی داشته

باشد. این نکات ما را به مشاهدات وایت (Whyte, 1980) درباره اهمیت و کارکرد اجتماعی پارک پیلی نیویورک ارجاع می‌دهد؛ پارکی که با مساحت ۳۹۰ متر مربع توانسته است در فاصله ۶۵۰ متری پارک تاریخی و پرستفاده «سنترال پارک»، با وسعتی بیش از ۸۷۰۰ برابر، نقش اجتماعی خود را بازی کند و جایگاه ویژه خود را در نقشه هویتی شهر کسب کند. کشف دینامیک اجتماعی پارک‌های کوچک شهری مطالعات میدانی بیشتری را طلب می‌کند و در این زمینه می‌توان ابتکارات برخی شهرها در تأمین فضاهای سبز در کوتاه‌مدت و در سطوح کوچک را مورد توجه قرار داد. تجارب برخی شهرها در ایجاد فضاهای باز متعدد از طریق تملک و تخریب ساختمان‌های مسکونی متروک از جمله این ابتکارات است (کارمونا و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۳۵).

با توجه به عمده‌ترین یافته‌های تحقیق می‌توان دو پیشنهاد و آموزه عملی برای ارتقای کارکرد اجتماعی پارک‌های مورد مطالعه طرح کرد. همان طور که اشاره شد، پارک مادر از ورودی شمالی به خیابان اصلی شهر و از ورودی جنوبی به محله مسکونی منتهی می‌شود. این موقعیت، ظرفیت بالایی برای تقویت تأثیر متقابل پارک و فضاهای عمومی پیرامونی در مقیاس شهر و محله ایجاد می‌کند که به طور مناسب مورد استفاده قرار نگرفته است. با بهبود دسترسی بصری به پارک در ضلع شمالی و جنوبی و به خصوص بهره‌گیری مناسب از "اثر لبه" - که قبلاً اشاره شد - می‌توان بین حیات اجتماعی پارک و خیابان و محله مسکونی پیوند قوی‌تری برقرار کرد. در این صورت وجود پارک مادر به طور بالقوه می‌تواند اثربخشی بیشتری در توسعه عملکردهای پذیرایی و تفریحی در فضاهای عمومی مجاور داشته باشد که از نتایج آن، تداوم زمانی فعالیت‌های اجتماعی و تفریحی در پارک و خیابان است.

ویژگی بارز میدان‌های شهر تنکابن با وجود برخی کارکردهای اجتماعی، چیرگی کارکرد ترافیکی است؛ میدان کم وسعت مجاور پارک جوان نیز صرفاً دارای کارکرد ترافیکی است. اما مجاورت این میدان ترافیکی و پارک جوان این ظرفیت بالایی برای ایجاد یک میدان یا پلازا با کارکرد اجتماعی مسلط در شهر فراهم کرده است. به طوری که می‌توان از طریق ایجاد وحدت و یکپارچگی در عناصر طراحی و مبلمان و ارتقای دسترس‌پذیری فیزیکی و بصری و تحکیم پیوستگی فضایی پارک با پیاده‌رو و میدان به بهبود کارکرد اجتماعی این فضای شهری کمک کرد.

تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی مستقل بوده و بدون حمایت مالی سازمانی انجام شده است.

منابع

- توکلی‌نیا، جمیله؛ محمدیان مصمم، حسن و ضرغامی، سعید. (۱۳۹۹). تحلیلی بر نقش کیفیت فضاهای عمومی در پایداری اجتماعی (مورد پژوهی: محله تجریش). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۵(۱)، ۸۵-۱۰۰.
- جیکوبز، جین. (۱۳۸۶). *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی*. ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: سمت.
- راونتری، راون. (۱۳۹۲). *به سوی مدیریت اکوسیستم: تحولات هسته و زمینه اکولوژی درختزار شهری*. ترجمه مهدی عباس‌زاده، انتشارات شهرنگار.
- کارمونا، متیو؛ ماگالئس، کلودیو دی و هاموند، لئو. (۱۳۹۶). *فضای عمومی: ابعاد مدیریتی*. ترجمه ایرج اسدی و مهدی عباس‌زاده. تهران: سمت.
- لطفی، صدیقه و سانی‌پور، محمد. (۱۳۹۹). تحلیل نقش عوامل محیطی در امنیت فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: شهر شیراز). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۵(۳)، ۷۴۵-۷۵۸.
- مالینوفسکی، برونیسلاو. (۱۳۸۴). *نظریه‌ای علمی درباره فرهنگ*. ترجمه عبدالحمید زرین قلم، تهران: انتشارات گام نو.
- متمدی‌مهر، اکبر و مطیع‌دوست‌کومله، ابودر. (۱۳۹۱). پارک بازارها گامی در جهت توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر لنگرود). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۷(۱۹)، ۷۳-۹۱.
- Alexander, C., SaraIshikawa, S., Ishikawa, S., Silverstein, M., Jacobson, M., Fiksdahl-King, I., & Angel, S. (1977). *A Pattern Language: Towns, Buildings, Construction*. New York: Oxford university press.
- Bohman, J. (2009). Democratization through Transnational Publics: Deliberative Inclusion across Borders. In R. Geenens, & R. Tinnevelt (Eds.), *Does Truth Matter? Democracy and Public Space* (pp. 149-166). Springer.

- Boone, C. G., Buckley, G. L., Grove, J. M., & Sister, C. (2009, August 12). Parks and People: An Environmental Justice Inquiry in Baltimore, Maryland. *Annals of the Association of American Geographers*, 99(4), 767-787.
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2003). *Public Places Urban Spaces: the Dimensions of Urban Design*. Oxford: Architectural Press.
- Chiesura, A. (2004). The Role of Urban Parks for the Sustainable City. *Landscape and Urban Planning*, 68(1), 129-138.
- Coley, R. L., Sullivan, W. C., & Kuo, F. E. (1997). Where Does Community Grow? The Social Context Created by Nature in Urban Public Housing. *Environment and Behavior*, 29(4), 468-494.
- Gehl, J. (2010). *Cities for People*. Washington, Covelo, London: Island Press.
- Gehl, J. (2011). *Life between Buildings: Using Public Space*. (J. Koch, Trans.) Washington, Covelo, London: Island Press.
- Gehl, J., & Svarre, B. (2013). *How to Study Public Life*. (K. A. Steenhard, Trans.) Washington, Covelo, London: Island Press.
- Hitchings, R. (2013). Studying the Preoccupations that Prevent People from Going into Green Space. *Landscape and Urban Planning*, 118, 98-102.
- Kazmierczak, A., & James, P. (2007). The Role of Urban Green Spaces in Improving Social Inclusion. *7th International Postgraduate Research Conference in the Built and Human Environment* (pp. 354-365). Manchester: University of Salford. Retrieved 9 1, 2019, from <http://usir.salford.ac.uk/id/eprint/11339/>
- Konijnendijk, C. C., Annerstedt, M., Nielsen, A. B., & Maruthaveeran, S. (2013). *Benefits of Urban Parks, A systematic review*. Copenhagen & Alnarp: Ifpra.
- Lofland, L. H. (1998). *The Public Realm: Exploring the City's Quintessential Social Territory*. New York: Aldine De Gruyter.
- Low, S., Taplin, D., & Scheld, S. (2005). *Rethinking Urban Parks: Public Space and Cultural Diversity*. Austin: The University of Texas Press.
- Mumford, L. (1964). *The Highway and the City*. New York: Mentor.
- Newman, O. (1996). *Creating Defensible Space*. U.S. Department of Housing and Urban Development Office of Policy Development and Research.
- Pottharst, M., & Konecke, B. (2013). The Night and Its Loss. In D. Henckel, S. Thomaier, B. Konecke, R. Zedda, & S. Stabilini (Eds.), *Space-Time Design of the Public City* (pp. 37-48). New York and London: Springer.
- Seaman, P. J., Jones, R., & Ellaway, A. (2010). It's Not Just About the Park, it's about Integration Too: Why People Choose to Use or Not Use Urban Greenspaces. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, 7(1), 78-78. doi: <https://doi.org/10.1186/1479-5868-7-78>.
- Sennett, R. (2002). *The Fall of Public Man*. London: Penguin Books.
- Shaftoe, H. (2008). *Convivial Urban Spaces: Creating Effective Public Places*. London, Sterling Virginia: Earthscan.
- Sullivan, C. W., Kuo, E. F., & DePooter, S. F. (2004). The Fruit of Urban Nature Vital Neighborhood Spaces. *Environment and Behavior*, 36(5), 678-700.
- Szumacher, I. (2011). Functions of Urban Greenspace and Ecosystem Services. *Miscellanea Geographica*, 15(1), 123-129.
- Thompson, C. W. (1998). Historic American Parks and Contemporary Needs. *Landscape journal*, 17(1), 1-25.
- Whyte, W. H. (1980). *The Social Life of Small Urban Spaces*. Michigan: Project for Public Spaces.
- Whyte, W. H. (2002). *The Last Landscape*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Whyte, W. H. (2009). *City: Discovering the Center*. Pennsylvania: University of Pennsylvania Press.
- Wolch, J. R., Byrne, J., & Newell, J. P. (2014). Urban Green Space, Public Health, and Environmental Justice: The Challenge of Making Cities 'Just Green Enough'. *Landscape and Urban Planning*, 125, 234-244.

- Wan, C., Shen, G. Q., & Choi, S. (2020). Effects of Physical and Psychological Factors on Users' Attitudes, Use Patterns, and Perceived Benefits toward Urban Parks. *Urban Forestry & Urban Greening*, 51, doi: <https://doi.org/10.1016/j.ufug.2020.126691>.
- Mehta, V., & Mahato, B. (2020). Designing Urban Parks for Inclusion, Equity, and Diversity. *Journal of Urbanism: International Research on Placemaking and Urban Sustainability*, doi: <https://doi.org/10.1080/17549175.2020.1816563>.
- Latham, A., & Layton, L. (2019). Social Infrastructure and the Public Life of Cities: Studying Urban Sociality and Public Spaces. *Geography Compass*, 13(7), doi: <https://doi.org/10.1111/gec3.12444>.
- Layton, J., & Latham, A. (2021). Social Infrastructure and Public Life – Notes on Finsbury Park, London. *Urban Geography*, doi: <https://doi.org/10.1080/02723638.2021.1934631>.
- Pearsall, H., & Eller, J. K. (2020). Locating the Green Space Paradox: A Study of Gentrification and Public Green Space Accessibility in Philadelphia, Pennsylvania. *Landscape and Urban Planning*, 195, doi: <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2019.103708>.
- Barker, A., Crawford, A., Booth, N., & Churchill, D. (2019). Park Futures: Excavating Images of Tomorrow's Urban Green Spaces. *Urban Studies*, 57(12), 2456-2472, doi: <https://doi.org/10.1177/0042098019875405>.
- Brown, M., Shcheglovitova, M. (2020). What Happened to Franklin Square Park? People, Trees, and Environmental Justice. *The Professional Geographer*, 73(1), 14-25, doi: <https://doi.org/10.1080/00330124.2020.1813597>.
- Neal, S., Bennett, K., Cochrane, A., & Mohan, M. (2018). *Lived Experiences of Multiculture: The New Social and Spatial Relations of Diversity*. New York and London: Routledge.
- Loughran, K. (2018). Urban Parks and Urban Problems: An Historical Perspective on Green Space Development as a Cultural Fix. *Urban Studies*, doi: <https://doi.org/10.1177/0042098018763555>.
- Mell, J. (2019). Beyond the Peace Lines: Conceptualising Representations of Parks as Inclusionary Spaces in Belfast, Northern Ireland. *Town Planning Review*, 90(2), 195-218, doi: <https://doi.org/10.3828/tpr.2019.13>.
- Wilson, H. F. (2016). On Geography and Encounter: Bodies, Borders, and Difference. *Progress in Human Geography*, doi: <https://doi.org/10.1177/0309132516645958>.

How to cite this article:

Abbaszade Soorami, M., & Pouraman Hir, V. (2023). Analysis of factors influencing the social functions of urban parks: Study of Javan and Madar Parks in Tonekabon. *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 18(1), 81-96.

ارجا به این مقاله:

عباس‌زاده سورمی، مهدی و پورامن هیر، وحید. (۱۴۰۲). تحلیل عوامل اثرگذار بر کارکردهای اجتماعی پارک‌های شهری (مطالعه پارک‌های جوان و مادر تنکابن). فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۸(۱)، ۸۱-۹۶.